

# **عنوان مقاله: قشربندی و نابرابری اجتماعی در استان فارس**

**نویسنده:** عبدالعلی لهسایی زاده و بیژن خواجه نوری

**منبع:** فصلنامه بررسی های اقتصادی دوره ۱ شماره ۲ پاییز ۱۳۸۳

صفص ۶۱-۸۶

## چکیده:

- نابرابری و قشربندی اجتماعی، پدیده‌ای است با قدمت فراوان که در تاریخ هر جامعه‌یا، بر اساس شرایط و تحولات آن جامعه شکل‌های مختلفی به خود می‌گیرد. **هر چه به زمان حاضر نزدیکتر می‌شویم، به دلیل پیچیدگی در عوامل نابرابری زا، پیچیدگی آن بیشتر می‌شود.** مقاله حاضر با استفاده از نظریه‌ای ترکیبی بر اساس آمارهای موجود، نابرابری‌ها و نظام قشربندی در استان فارس را مورد بررسی قرار داده، تغییرات آن را از دهه ۱۳۴۵ تا کنون ترسیم نموده است.

- بر اساس یافته های این مطالعه در دوره مورد بررسی، نسبت طبقه سرمايه دار در استان به کل طبقات، **روند صعودی** داشته اما از حجم طبقات مستقل، متوسط و کارگری به کل طبقات **کاسته** شده است. همچنین با توجه به شرایط کنونی در ایران، برخی پایگاه های طبقاتی چندگنه در استان فارس پدیدار گشته اند.

# واژه های کلیدی:

- قشربندی، طبقات اجتماعی، کارفرمایان، کارگر، روشنفکران، مدیران.



## ۱ - مقدمه

• جامعه ایران در صد سال گذشته، شاهد تغییرات و تحولات فراوانی بوده و به دلیل وجود نفت و انقلاب های رخ تاکنون، نسبت به اکثر کشورهای منطقه تنش های فزاینده ای را بین طبقات سنتی و طبقاتی که غربی شده اند، تجربه کرده است. ورود غرب و نظام سرمایه داری و تجربه برخورد با آن برای برخی گروه ها به خصوص طبقات متوسط و بالا و مدرن شده سودآور بوده است. اما اغلب متوسط سنتی همچون طبقات خرده بورژوازی سنتی را ناخشنود کرده است (بونین، ص ۱)

طبقات خرده بورژوازی سنتی

مسائل اجتماعی همچون نابرابری و قشریندی اجتماعی که کانون کار دانشمندان علوم اجتماعی در **قرن نوزدهم** قرار گرفته بودند، پیچیده‌تر و به صورت مسائل جهانی بار دیگر مطرح شده‌اند. برخلاف تصور برخی، مسائل و مفاهیم طبقه، پایگاه و تحرک اجتماعی حتی در جوامع پیشرفته، مسائل و مفاهیم مسلط و حتی معیارهایی جامعه شناختی تلقی می‌گردند که مطالعه‌ی آنها به واسطه‌ی درجه‌ی بالایی از دقت مفهومی و روش شناختی مشخص می‌شوند (بینون و گلاوانیز، ص ۱)



• ایران در یکی دو قرن گذشته وارد روابط سرمایه داری شده است و این امر نظام سرمایه داری ایران را به صورت یکی از کشورهای پیرامونی، در مقابل کشورهای مرکز درآورده است. لذا نابرابری ها و قشربندی های اجتماعی در ایران را باید از این زاویه مطالعه نمود. از آن جا که امروزه ما وارد نظام جهانی شده ایم، پیچیدگی نابرابریها، باید با توجه به این شرایط بررسی شوند.

## یکی از کشورهای پیرامونی

- هدف این مقاله بررسی ساختار طبقاتی استان فارس و روند تغییرات آن را در دوره‌ی پهلوی و پس از انقلاب اسلامی می‌باشد. به نظر می‌رسد که اگر بتوان از لایه‌ی امارها و ارقام موجود، وضعیت طبقات اجتماعی این استان را به درستی ارائه نمود، می‌توان به شناخت هر چه بهتر ساختارهای اجتماعی موجود در قسمتی از ایران پی‌برد.

## ساختارهای اجتماعی موجود

## ۲- موردی بر مطالعات انجام شده

- عبدالعلی لهسایی زاده (۱۳۷۶) در مقاله قشریندی اجتماعی در استان فارس بر اساس نظریه ترکیبی که عمدتاً ماخوذ از یددگاه صورت بندی اجتماعی است. نابرابری و قشریندی در ایران را در مورد مطالعه قرار داده است. در این تحقیق بر سه بعد شغلی، قدرتی و مالکیت برای تشریح نابرابری در طبقات اجتماعی تاکید شده است. وی در تعریف طبقه معتقد است که «طبقه گروهی از افراد را در نظر می گیرد که در منافع عینی مشترکی، در نظام قشریندی اجتماعی شریک می باشند.»

- بر این اساس از نظر لهسايي زاده (صص ۲۰۴-۱۸۳) در جامعه امروز استان فارس، شاهد طبقات زير می باشيم:
  - ۱- طبقه سرمایه داران ۲- طبقه کارگران ۳- طبقه متوسط ۴- طبقه تولید کنندگان مستقل ۵- طبقه وابستگان ۶- طبقه مالکان راضی کشاورزی ۷- طبقه کشاورزان سهم برو يا مستاجر و ۸- پايكاهي های طبقاتی چندگانه . مقاله مورد نظر ييشتر جنبه نظری دارد تا تجربی و در آن آمار دقیقی از نسبت هر یک از طبقات به کل جامعه طبقای ايران ارائه نشده است.

# Statistics

• علی اصغر مقدس (۱۳۷۷) در تحقیقی به بررسی قشر بندی اجتماعی و تحرک شغلی در جامعه شهری استان فارس و بوشهر پرداخته است. نتایج نشان می دهد که جامعه ای ایران جامعه ای پویایی است که تغییرات و دگرگونی های عمیق آن از حدود یک قرن گذشته شروع شده و هنوز به حالتی کاملا ثبات یافته، نرسیده است. همچنین وقوع انقلاب اسلامی با تشدید بعضی از تغییرات ساختاری، روند هایی را دگرگون یا کند کرده است.

• مقدس معتقد است که تحرک شغلی باید بر اساس منزلت مشاغل و طبقات اجتماعی نیز بر حسب اقسام فرعی آنها بررسی شوند. به ظن وی طبقه‌ی اجتماعی با قشریندی دو مفهوم متفاوت هستند. طبی مجموعه‌ی خانواده‌هایی است که از نظر تملک دارایی و ثرت برای بهره مند شدن از سود و کار دیگران و اعمال قدرت سازمانی روسای خانواده‌ها یا بهره مند شدن از سود و کار دیگران و اعمال قدرت سازمانی روسای خانواده‌ها یا بهره مند بودن از تخصص‌هایی در سازمان فعالیتشان، وضع مشترکی دارند.

## منزلت مشاغل

- بر اساس مطالعات پیشین و بر طبق این تعریف، طبقه و قشر در استان های فارس و بوشهر به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته اند.
- ۱- سرمایه داران ۲- کسبه و صاحبان حرف مستقل ۳- حرفه ای ها و مدیران اداری دارای قدرت سازمانی ۴- کارکنان یقه سفید دارای تخصص و بدون قدرت سازمانی ۵- کارگران

**• جان فوران** (۱۳۷۷) در کتاب مقاومت شکننده یا تاریخ تحولات اجتماعی ایران به بررسی تحولات اجتماعی ایران از دوران صفویه تا سال های پس از انقلاب اسلامی پرداخته است. وی از بین مفاهیم، طبقه، قومیت و جنسیت به ساختار اجتماعی نگریسته و تاکید خود را عمدتاً بر عامل طبقه نهاده است. فوران با استفاده از چارچوبی تلفیقی از نظریه نظام جهانی والرشتاین و نظریات وابستگی در قالب نظریه‌ی صورت بندی اجتماعی به مطالعه ایران در فاصله زمانی مورد نظر پرداخته است.



• وی بر اساس الگوی نظری به کار گرفته شده، پنج صورت بندی یا شکل بندی اجتماعی را برای ایران ترسیم نموده است. صورت بندی پنجم وی مربوط به سال ۱۳۵۶ (یعنی در آستانه انقلاب اسلامی) می باشد که شامل : شیوه های تولید شبانکارگی - بادیه نشینی (۴ درصد)، تولید کشاورزی (۲۸/۲ درصد) تولید سرمایه داری (۴۸/۶ درصد) و تولید خردۀ کالایی (۱۹/۲) بوده است. در کنار این شیوه های تولیدی، گروه ها و طبقات مختلط یا انشعابی هم قرار داشته است.



• تقسیم بندی وی شامل قشر بندی کنونی استان فارس نیز می شود. در طبقات حاکم و نخبگان، روسا و صاحبان ایلات، زمین داران سرمایه دار، متولیان موقوفه، سرمایه داران خارجی و سرمایه داران اشرافی قرار دارند. در طبقات بینایین بازرگانان روستا و دهقانان میان حال و بازرگانان قرار داشتند. در طبقات بینایین تحت سلطه روشنفکران، روحانیون و پیشه وران صنفی، کارگران کارآزموده حضور دارند . رده بعدی مربوط به طبقات تحت سلطه شبانکاره، دهقانان خرده پای زمین دار و پیشه وران روستا، طبقه کارگر و کارگران روزمزد حضور داشته اند. در نهایت در مادون طبقات، عشایر بدون حشم که به زور اسکان یافته اند. دهقانان دون زمین و طبقات حاشیه شهری جای گرفته اند (فورن، ص ۵۰۵)

• احمد اشرف (۱۳۶۰) در تحقیقی مراتب اجتماعی ایران در دوران قاجاریه را مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد جامعه ایران از روزگاران دور، گرداگرد سه محور اصلی یعنی امور دینی، امور حکومتی و امور تولیدی سازمان یافته است. بدین گونه اهل علم به امر دین و آیین، اهل شمشیر و اهل قلم به امر حکومت و اهل کسب، کار، کشت و زرع به امر تولید و مبادله کالاها می‌پرداخته اند. به نظر وی در ایران دین و حکومت از یکدیگر جدا نبودند. اهل علم همراه با اهل شمشیر و اهل قلم در راس هرم سیاسی، متزلت اجتماعی و مواهب اقتصادی داشتند و لا جرم از اهل کسب و متمایز بودند.

- ۱- امور دینی
- ۲- امور حکومتی
- ۳- امور تولیدی

• وی بر اساس نظریه خود به بررسی برخی از شهرهای ایران از جمله تهران و شیراز می پردازد. در شهرهای فوق در دوره قاجاریه، به دلیل سادگی زندگی، نوع معیشت و پایین بودن ثروت عمومی و هماهنگی در میان ارزش‌های فرهنگی و اعتقادات دینی و شرکت دسته جمعی قشرها در مراسم و مناسبات‌های اجتماعی و مذهب و غیره، نوع معیشت و پایین بودن ثروت عمومی و هماهنگی در میان ارزش‌های فرهنگی و اعتقادات دینی و شرکت دسته جمعی قشرها در مراسم و مراتب اجتماعی پدید آمده و تداوم پیدا کرده است.

• احمد اشرف بر اساس اطلاعات میرزا حسن حسینی فسائی در فارسنامه‌ی ناصری محلات شهر شیراز را به دو رده تقسیم می‌کند: محلات اعیان نشین، و محلات کمتر اعیان نشین. محلات اعیان نشین شامل سه محله‌ی میدان شاه، سرباغ، بازار مرغ و محله باغ نو بود(بخش کوچکی در شمال محله بالاکفت) و محلات کمتر اعیان نشین شامل هفت محله دیگر شهر بود و یک محله نیز به کلیمیان اختصاص داشت (اشرف، ص ۸۴)

• بر اساس اطلاعات فارسنامه‌ی ناصری، اعیان محلات شیراز، شامل ۴۱۱ نفر بوده‌اند که از این میان ۳۸ نفر از شاهزادگان و خوانین، ۵۵ نفر از علماء، ۷۵ نفر از تجار و ۳۲ نفر از اطباء و شعراء بوده‌اند. سایر اعیان که به طور عمده شامل اعیان زادگانی بوده‌اند که یا به اداره املاک و اموال موروثه یا مکتبه اشتغال داشته یا با اتکا به خانواده می‌زیسته‌اند، ۱۱۹ نفر بوده‌اند (اشرف، صص ۹۰-۹۱)

• ویلیا رویس (۱۹۸۱) در مطالعه ای به بررسی خانواده های شیرازی و تغییرات در آنها بر اساس ملاک های خود پرداخته است. وی بنیان های قدرت نخبگان را در سنت تاریخی، ویژگی های ردی، کنش مدنی و کارهای عمومی، ثروت و نفوذ سیاسی می داند. سه عامل نخست آن، چیزی است که وجهه را می سازند. سنت تاریخی به نقشی که در اعضای پیشین خانواده در زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی شهر ملت بازی کرده اند، بر می گردد.

- ویژگی های فردی که اغلب مرتبط با یکدیگرند، شامل:
  - ۱) تحصیلات و وجاهت عالمانه ۲) فصاحت در بیان ۳) ذوق هنری ۴) جوانمردی و دین داری همچنین کنش مدنی و کارهای عمومی ساختن و نگهداری مدارس، بیمارستان ها، مساجد از طریق اوقاف با بنگاه های خیریه می باشد ثروت نیز فرد را برای داشتن رفاه و هزینه کردن برای تحصیلات مخارج برای کارهای عمومی و حتی ابزاری برای کسب قدرت و نفوذ قادر می سازد. نفوذ سیاسی نیز به قدرت، توانایی و اراده برای ارائه علائق محلی و افراد در مقابل دولت ملی و نمایندگانش هم در شهرستان ها و هم در تهران بر می گردد.

• رویس برای این که نخبگان جایگاهشان را حفظ کنند، پنج فعالیت را مطرح می کند: اول این که اعضای خانواده باید موافق با سنت تاریخی شان زندگی کنند. دوم این که ویژگی های شخصیتی و فردی لازم، توسعه یابند. سوم این که سنت کتش مدنی و کارهای عمومی باید ادامه پیدا کند. چهارم این که باید ثروت خانواده حفظ شود یا بهتر و افزون تر گردد. پنجم این که اعضای نخبگان شهرستانی باید پیوندهای قدیمی و جدید را با دولت ملی و نخبگان ملی به وسیله‌ی ابزاری همچون ازدواج، قرار دادن اعضای خانواده در موقعیت‌های دولیت در تهران، توسعه دوستی‌های نزدیک با مدیران منصوب شده در شیراز حفظ کنند. وی بر این اساس و ملاک‌ها، سه نوع خانواده را در شیراز بر می گزیند و مورد مطالعه قرار می دهد.

این خانواده ها عبارتند از قوامی ها که خانواده ای نخبه و سنتی هستد، دیگری خانواده امامی های شیرازی که خانواده ای نخبه از علمای باشند و سوم ابظحی ها به عنوان خانواده ای نخبه و جدید.

• میشل بوتین (۱۹۸۱) در مقاله یا به بررسی وضع بازار در دوره های قاجار و پهلوی می پردازد. وی معتقد است که بازار ایرانی پیچیدگی مت مرکز شده ای زا صنعتگران، خرد ه فروشان و عمد ه فروشانی است که به طور سنتی کانون تجارتی شهر بوده است. بونین بازار را یکی از عناصر بورژوازی در جامعه سنتی ایرانی می داند. بازار همراه با دیوان سالارها و علماء، طبقات متوسط را در بر می گیرد که به لحاظ سلسله مراتب، پایین تر از طبقه حاکم بوده است، اما جایگاه و قدرت آنان بالاتر از توده های دهقانی، شعایر و کارگران شهری می داند. او اظهار می دارد که **بازار اغلب با دیگر اقسام بورژوازی و به خصوص علماء در مخالفت با خط مشی ها دولتی متحد شده است**. بونین در بین بازارها، عمد ه فروشان را در بالاترین موضع می داند.

## ۳- چهار چوب نظری

- به اعتقاد جامعه شناسان، جوامع بشری بر پایه نقش های اجتماعی، وظایف اجتماعی و شغلی استوار هستند و بر همین اساس است که انسان ها از یکدیگر تفکیک می گردند. با گسترش جوامع به لحاظ دانش فنی و به تبع آن تقسیم کار بیشتر، پیچیدگی جوامع بیشتر و تفکیک اجتماعی در آنها بیشتر و عمیق تر می گردد. در مبحث تفکیک اجتماعی، انتخاب یا انسداد اجتماعی از عوامل مهم به شمار می آیند.

انتخاب یا انسداد  
اجتماعی



چارلز تیلی

• بحث های مربوط به تغییرات تکنولوژیکی و انتخاب یا انسداد، ما را به ابعاد جدید نابرابری ها و قشریندی اجتماعی می کشاند و این مساله از اهمیت و حساسیت خاصی برخودرا است. چارلز تیلی در کتاب نابرابری پایدار، نابرابری را رابطه ای تعریف می کند که بین اشخاص یا مجموعه ای از اشخاص وجود دارد که در آن تعاملات، امتیازات بیشتری برای یکی نسبت به دیگری به وجود دارد که در آن تعاملات، امتیازات بیشتری برای یکی نسبت به دیگری به وجود می آورد.

امتیازات بیشتر

- در کتاب فوق تیلی بر دو شکل مرتبط با یکدیگر نابرابری، تمرکز می کند. یکی نابرابری های مقوله ای مبتنی بر تمایزات جمعیتی یا اجتماعی همچون جنس، نژاد یا مذهب، و دوم نابرابری هایی در شانس زندگی و خوشی (تیلی، ۲۰۰۰) وی نابرابری را نتیجه کنترل نابرابر در منابع تولید ارزش می داند (روس، ۱۹۹۹)

۱- نابرابری های مقوله ای

۲- نابرابری های در شانس زندگی و خوشی

• این رابطه نابرابر و به عبارتی دیگر، این نابرابری در یک رابطه قدرتی به وجود می‌آید که به نظر کوئیجاتو دارای سه مولفه است : سلطه، استثمار و تضاد بر روی کنترل عرصه هیا کلیدی هستی اجتماعی انسان که عبارتند از : (۱) کار و منابع و محصولاتش. (۲) جنس و منابع و محصولاتش (۳) اقتدار جمیع و منابع و محصولاتش. و در نهایت (۴) ذهنیت یا بین ذهنیت و به خصوص تصور و شیوه معرفت تولید شده. این مولفه‌ها در همه روابط قدرتی، به درجات و اشکال متفاوت وجود دارند و بسته به موقعیت‌های عینی مکان یا زمان، پیکره‌ی الگویی معینی از قدرت در هر مورد را ارائه می‌دهند. در دوره سرمایه داری این الگوها و موقعیت‌های عینی دستکاری و پیچیده تر و قوی تر از دوره‌های پیشین شده است (کوئیجاتو، ۲۰۰۰)

- معمولاً برای تعیین طبقات از ملاک‌های مختلفی استفاده شده است که برخی از آنها ذکر شد. علاوه بر درآمد، شغل، تحصیلات و زمینه‌های خانوادگی، باید به ملاک‌های دیگری همچون مالکیت قدرت و وجهه نیز اشاره نمود. البته ملاک‌های فوق با یکدیگر دارای رابطه‌ی نسبتاً قوی هستند. برای مثال مالکیت می‌تواند خود ایجاد قدرت کند و سپس قدرت نیز در شکل‌گیری مالکیت نقش بازی می‌کند.

- علاوه بر **ملاک شغل، قدرت، مالکیت، وجهه و تحصیلات** که برای تبیین نابرابری و ایجاد طبقه های اجتماعی لازم می نمایند، باید در تبیین نابرابری ها و قشربندی اجتماعی در کشورهای پیرامونی، ملاک های دیگری نیز در نظر گرفته شوند. توسعه ای که در کشورها یا مناطق حاشیه ای یا پیرامونی به وقوع پیوسته است. به دلیل ناموزون بودن در بخش های مختلف و در مناطق گوناگون، پیامدهای منفی نظیر تورم، عدم اشتغال، مسایل بهداشتی، نارسایی آموزش و پرورش و مانند آنها را به دنبال داشته است.
- بنابر این دلیل، توسعه مذکور را توسعه وابستگی می دانند که به معنی رشد در درون محدوده هاف پشیرفت و رفاه اقلیتی از مردم جامعه و رنج و حرمان اکثریت می باشد. (فوران، ص ۲۴)

- آنچه به این دیدگاه باید اضافه نمود، این است که در یک چهارچوب جهانی، شیوه های مختلف تولید در کنار یکدیگر در یک زمان به فعالیت می پردازند، اما همیشه یک شیوه تولید موفقیت مسلط را به خود اختصاص می دهد و با استفاده از فرایند های حفظ و نگهداری و انحلال در جهت حفظ برخی شیوه های تولید و انحلال برخی دیگر اقدام یم کند.

## حفظ و نگهداری و انحلال

• رابطه بین مراکز و کشورهای پیرامونی و همچوایی بین شیوه تولید سرمایه داری و سایر شیوه های تولیدی، به ساختار طبقاتی کشورهای پیرامونی، پیچیدگی خاصی داده سات که نباید ان را از نظر دور داشت. بنابراین ملاک هایی همچون قدرت مالکیت، شغل و رابطه ای مرکز پیرامون باید به کار گرفته شوند. بر این اساس، مالکیت، فقط مالکیت بر وسائل تولید نیست، بلکه مالکیت های دیگری نیز وجود دارد که عده ای را در ره های بالای جامعه و سایرین را در رده های پایین قرار می دهد. همچنین قدرت فقط اقتدار در سازمان دیوان سalarی نیست، بلکه منابع قدرت دیگری نیز وجود دارند که خارج از سازمان دیوانسalarی و کاملا در چارچوب سنتی قرار می گیرند.

## قدرت مالکیت، شغل و رابطه ی مرکز پیرامون

## ۴-طبقات و اقشار گوناگون در استان شیراز

• از زمانی که ایران با غرب دارای ارتباط شد، نظام اقتصادی- اجتماعی و سایر نظام های فرهنگی و سیاسی دستخوش تغییر شدند. ایران به تدریج نتوانست انباشت و گسترش سرمایه را که عنصر پویای لازم و اساسی در درون نظام است، به دست آورد. همچنین ایران که به تدریج وارد نظام اقتصادی بین المللی شد، نتوانست رابطه‌ی خود را با دیگر کشورها و به خصوص کشورهای صنعتی پیشرفته که در مرکز این نظام اقتصادی جهانی قرار داشتند، به نحوی تنظیم کنند که در موقعیت مناسب قرار گیرد. در این نظام کشورهای صنعتی پیشرفته اروپایی در مرکز قرار گرفتند و به عنوان بازیگران کلیدی، تکنولوژی و منابع مالی را کنترل کردند و با این امتیاز به صورت های خاص صنعتی شدن مناطق حاشیه‌ای را شکل دادند (فوران، ص ۲۴)

تکنولوژی و منابع مالی

• موقعیت ایران به عنوان کشوری پیرامونی که از دوران قاجار شروع شده بود، در دوره پهلوی به اوج خود رسید و در آن دوره علی رغم تلاش های مختلف، ایران نتوانست موقعیت خود را در رابطه با کشورهای مرکز بهبود بخشد. در دوره پهلوی به دلیل نوسازی صنایع، گسترش آموزش و پرورش جدید و ایجاد فرصت برای اقشار مختلف در جهت سواد آموزی، روابط گسترده با غرب، گسترش دیوانسالاری جدید و نیروهای نظامی و انتظامی به عنوان ابزارهای تحکیم حاکمیت پهلوی، ساختار طبقاتی ایران به نحو چشمپیری دستخوش دگرگونی شد.

سواد آموزی، روابط گسترده با غرب،  
گسترش دیوانسالاری جدید و نیروهای  
نظامی و انتظامی

• به طور کلی طبقات اجتماعی شهری در ایران دوره پهلوی و بعد از انقلاب اسلامی را می توان بر اساس قدرت و اقتدار به خصوص در بعد سازمانی آن، وجهه در بعد اجتماعی و فرهنگی و مالکیت و ثروت در بعد اقتصادی بررسی و طبقه بندی کرد. این سه بعد را از نظر تحلیلی می توان از یکدیگر مجزا نمود، اما در عالم واقع تفکیک آنها از یکدیگر بسیار مشکل است و بر یکدیگر تاثیرات قوی و عمده‌تا هم پوشی دارند.

## ۱- وجهه در بعد اجتماعی و

فرهنگی

## ۲- مالکیت و ثروت در بعد

اقتصادی

- برای مثال روحانیون که دارای وجهه‌ی اجتماع مهمی به دلیل توانایی فهم مسائل و احکام از متون فقهی و دینی هستند، به لحاظ سیاسی نیز از قدرت بالایی برخوردار می‌باشند.
- بر اساس **ملاک‌های بالا** و **با عنایت به نظریه مورد استفاده** می‌توانیم در ایران الگوی طبقاتی را ترسیم نماییم. بدیهی است که استان فارس نیز به عنوان یکی از استان‌های مهم ایرانی از همین الگو تعیین می‌کنند، بنابراین در اینجا به ترسیم الگوی طبقاتی استان پرداخته و سپس تحولات آن را در دوره پهلوی و انقلاب بررسی می‌کنیم.

## ۴- کارفرمایان

• با توجه به ورود سرمایه داری در ایران و توسعه وابسته دوره پهلوی ما دارای طبقه‌ی سرمایه دار هستیم. سرمایه داری ابتدا در بخش‌های تجاری وارد شد و به تدریج حوزه نفوذ خود را در بخش‌های صنعتی و کشاورزی نیز گسترش داد. بر این اساس در استان فارس سه قشر از سرمایه داری یعنی سرمایه داران صنعتی، سرمایه داران کشاورزی و سرمایه داران تجاری ملاحظه می‌شوند.

- ۱- سرمایه داران صنعتی،
- ۲- سرمایه داران کشاورزی
- ۳- سرمایه داران تجاری

• یکی از مشکلات در بررسی و ارزیابی طبقه سرمایه داران در ایران عدم تطبیق دقیق امارها با مفاهیم نظری در علوم اجتماعی می باشد. همچنین اطلاعات دقیق و ریز در مورد مشاغل به همراه وضعیت درآمدی، تحصیلی و سایر اطلاعات لازم برای ارزیابی گروه های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی **به طور دقیق و مناسب** وجود ندارد. طبقه سرمایه داران نیز از این اصل کلی مستثنی نیستند. اضافه بر این جمع آوری اطلاعات از این طبقه به طور روشن تعریف نشده اند و تنها آماری که در مورد اعضای این طبقه موجود است، تحت عنوان کارفرمایان می باشد «(لهسایی زاده، ۱۳۸۱)

**جدول ۱: جمعیت کارفرمایان در استان فارس بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ (به درصد)<sup>۱</sup>**

کارفرمایان	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵
استان فارس	۱/۶	۱/۶	۲/۰	۳/۴
نقاط شهری	۲/۴	۳/۰	۲/۹	۴/۲
نقاط روستایی	۱/۲	۰/۶	۱/۷	۲/۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶

• با توجه به جدول شماره ۱، درصد جمعیت کارفرمایان کل استان بین سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ نسبت به جمعیت همان سال ها در سرشماری، روند افزایشی را نشان می دهد. این روند به خصوص بین سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ رشدی شتابان را نشان می دهد و از ۲ درصد جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر به سه و چهار دهم درصد رسیده است. این روند در نقاطی شهری و روستایی نیز نشان دهنده وضعیت مشابهی است. تنها بین سال های ۵۵ تا ۶۵ کارفرمایان در نقاط شهری استان کاهش ۱۰ درصدی را نشان می دهد که این نیز به دلیل وقوع انقلاب و مسائل مرتبط با جنگ می باشد. اما بین سال های ۶۵ تا ۷۵ جمعیت کارفرمایان رشد سریعی را نشان می دهد و از ۲/۹ به ۴/۲ درصد رسیده است.

• این روند برای نقاط روستایی گرچه نشان دهندهٔ افزایش کلی درصد ها می‌باشد، ما نوسانات آن بیشتر بوده و از ثبات کافی برخوردار نبوده است. به گونه‌ای که بین سال‌های ۴۵ تا ۵۵ به خصوص بعد از اصلاحات ارضی کاهش درصدها زیاد می‌باشد و از یک و دو دهم درصد به نصف آن یعنی ۰/۶ درصد رسیده است. اما بین سال‌های ۵۵ تا ۶۵ و ۶۵ تا ۷۵ یعنی بین سه سرشماری جمعیت کارفرمایان در نقاط روستایی در بین جمعیت شاغل ۱۰ ساله و بیشتر در ایران در هر فاصله ۱۰ دو برابر شده است. این امر نشان دهندهٔ بهبود وضعیت روستاییان به دلیل بالارفتن قیمت تولیدات کشاورزی و دامی می‌باشد.

# طبقه کارگر

- با گسترش نظام سرمایه داری و تحولات در صنایع ایران در دوره قاجار ما شاهد به وجود آمدن هسته های اولیه طبقه کارگر می باشیم. این رشد با افزایش تجارت نابرابر اروپاییان و روسیه با ایران و در نتیجه کاهش تولید کنندگان مستقل بود (فوران، ص ۱۶۷) در دوران پهلوی با گسترش صنایع بزرگ و واحدهای با بیش از ۱ نفر کارکن، این طبقه روز به روز گسترش یافت و هم اکنون نیز بر تعداد آنها افزوده می شود.

• این گسترش به همراه توسعه ناموزون در سطح جهانی و همچنین پیرامونی بودن ایران بوده است. به عبارتی دیگرف صنایع ایران توسعه‌ای مستقل از مرکز نداشته است و به همین دلیل نیز بهره کشی و استثمار کارگران ایرانی در جهت ایجاد ارزش مازاد برای مرکز و همچنین سرمایه داری داخلی دو چندان می‌باشد. به عبارتی دیگر، **اردش افزوده‌ی ایجاد شده** توسط کارگران با پرولتاریای کشورهای پیرامونی همچون ایران به نفع انحصارات در کشورهای امپریالیستی غربی می‌باشد (ابراهامیان، ص ۱۹۱)



- مرکز از آنجا که این طبقه صاحب وسایل تولید نیست و تنها مالک کار خود است و به طور مستقیم در فرایند تولید شرکت می نماید، لذا **مزد بگیر** می باشد. برخی از آمارهای موجود بر اساس ملاک مزد، این طبه را با قشر کارمند از طبقه متوسط ادغام نموده و تفکیک صحیحی انجام نداده است و تحت عنوان مزد و حقوق بگیران آنها را یکدیگر اورده است. به همین سبب از ارقامی که در زیر این مقوله ارائه شده است، نسبت کارگران و کارمندان را نمی توان مشخص نمود و این امر به شکل های مختلف در آمار نامه های مرکز آمار ایران اورده شده است.

• در آمارهای دهه های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ تحت عنوان آمار کارگران فنی که در تمامی بخش‌ها به طور مفصل ذکر شده کارگران طبقه بندی نشده را وارد نموده است که با توجه به این که عمدتی آنها در بخش ساختمانی می‌باشند، می‌توان نتیجه گرفت که این گروه کارگران ساده هستند. در آمارهای سال ۱۳۷۵ در یک بخش از آمار شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در بخش‌های فعالیت و گروه‌های عمدت شغلی، به طور مستقیم از کارگران ساده یاد شده است. در همان جدول متصدیان (اپراتورهای) ماشین‌آلات و دستگاه‌ها، مونتاژ کارها و رانندگان وسایل نقلیه را با یکدیگر آورده‌اند. اگر بتوان این گروه را به عنوان بخش کارگران ماهر در مقابل کارگران ساده فرض نمود، می‌توان آمار مربوط به کارگران استان را به شیوه‌ای که در جدول ۲ آمده است، ارائه نمود.

**جدول ۲: توزیع نسبی کارگران استان براساس مهارت و به تفکیک نقاط شهری و روستایی**

۱۳۷۵			۱۳۶۵			۱۳۵۵			کارگران
روستایی	شهری	استان	روستایی	شهری	استان	روستایی	شهری	استان	
۸/۱۰	۱۱/۷۶	۱۰/۰۳	۷۱/۷	۶۸/۲	۶۹/۴	۴۹/۲	۶۸/۸	۵۸/۱	ماهر
۱۹/۳۶	۱۳/۳۸	۱۵/۹۸	۲۸/۲	۳۱/۸	۳۰/۶	۵۰/۸	۳۱/۲	۴۱/۹	ساده
۲۶/۰۱			۴۷/۵			۳۶/۹			کارگران به شاغلان

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶، ۱۳۶۶، ۱۳۵۶

• جدول شماره ۲ بیان گر ان است که بین سال های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ بر تعداد اعضای طبقه کارگر افزوده شده. ولی از اعضای این طبقه در بین سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ کاسته شده است. همچنین جدول فوق نشان دهنده آن است که در دهه های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ تعداد کارگران ماهر بر کارگر ساده پیشی گرفته اما بین سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ این رابطه عکس شده است. به عبارتی دیگر، تعداد کارگران ساده نسبت به کارگران ماهر پیشی می گیرد. یکی از دلایل این امر شاید این باشد که برای جذب نیروهای ماهر باید سرمایه گذاری کرد. به بیانی دیگر در دهه ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ سرمایه گذاری در ایران کاهش یافته و در نتیجه از **درصد اعضای قشر ماهر** این طبقه کاسته شده است. اگر چه از درصد کارگران ساده نیز کاسته شده. اما روند نزولی قشر ماهر سریعتر بوده است.

## ۴-۳- طبقه متوسط

- با به قدرت رسیدن رضا شاه در سال ۱۳۰۵ وی تلاش نمود تا نظام نوینی را در ایران برقرار کند. سلطه رضا شاه با گسترش حضور نظام سرمایه داری جهانی در عرصه های مختلف ایران همراه بود. رضا شاه تکیه گاه خود را به رکن ارتش جدید، بوروکراسی نوین دولتی و حمایت دربار گذاشت. برای اولین بار بعد از سلطنت صفویان دولت توانست با بازارهای گسترده‌ی مدیریت، نظام و سلطه جامعه را اداره کند (آبراهامیان، ص ۱۲۴)
- لذا رضا شاه بر تقویت این ارکان سلطه همت گماشت. بر این اساس در طول سلطنت وی ارتش، سازمان اداری و دربار گسترش یافتند و بسیار قدرتمند شدند.

- ۱- رکن ارتش جدید،
- ۲- بوروکراسی نوین دولتی
- ۳- حمایت دربار

• در بین طبقه متوسط نه همچون کارگران به طور مستقیم در ایجاد ارزش افزوده اقتصادی نقش بازی می کنند و نه همچون سرمایه داران صاحبان صنایع سبک و سنگین هستند و نه مانند تاجران عمده در بخش تجاری می باشند. این طبقه دارای موقعیتی پیچیده بین طبقه سرمایه دار و طبقه کارگر است که نقش رابط را بین دو طبقه فوق بازی می کنند، زیرا با گسترش صنعت و پیچیده شدن آن، از یک طرف مسائل فنی را سرمایه داران نمی توانند بی واسطه به کارگران منتقل کنند و بنابراین ، مهندسان به عنوان یک گروه اجتماعی ظاهر شده اند و از طرف دیگر کنترل مسائل اجتماعی اقتصادی پیچیده بین کارفرمایان و کارگران در بخش صنایع، نیاز به مدیران را **روز به روز** نمایان تر ساخته اند.



پولانزاس

• اعضای این طبقه معمولاً فروشنده‌ی نیروی کار خود هستند. اگر چه در ایجاد ارزش افزوده‌ی تولید شده در بازار کار به طور مستقیم وارد نمی‌شوند. از آنجا که این طبقه فروشنده نیروی کار خود هستند، مزد بکیر غیر تولیدی می‌باشد (پولانزاس، ص ۲۰) این طبقه را به دو گروه خردۀ بورژوازی سنتی و خردۀ بورژوازی جدید تقسیم می‌کند و به طور کلی در طبقه‌ی متوسط چهار قشر اصلی روشنفکران، حرفه‌ای‌ها، مدیران و کارمندان می‌بینند.

## ۴-۳-۱ روشنفکران

- با توجه به این که روشنفکران نه صاحبان ابزارهای اصلی تولیدند و نه در ایجاد ارزش اضافی به طور مستقیم وارد می شوند، به عنوان قشری از طبقه متوسط می باشند. کار کرد این گروه همان طور که ماکس بلاف بیان می کند پیشبرد و تبلیغ دانش یا ساخته و پرداخته کردن ارزش های جامعه خاصشان می باشد (مرشدی زاد، ص ۲۳) بر این اساس روحانیون یکی از گروه های روشنفکر در جامعه است. بسیاری از روشنفکران ایرانی (از هر دسته) ر ساختار حکومتی مشارکت داشته و جزیی از پیکر بوروکراسی دولتی می باشند (لهساوی زاده، ۱۳۸۱)



ریمون آرون

• ریمون آرون در کتاب **افیون روشنفکران** معتقد است که روشنفکران را باید از دانشمندان که صرفاً دانش می‌اندوزند، متمایز دانست، زیرا روشنفکر همان طور که ادوارد شیلز می‌گوید، باید مردم را با نیازهای واقعی شان و وسایل برآوردن آنها آشنا ساز (بشيریه، ص ۲۴۸) لذا در ذات کارکرد روشنفکران می‌توان انتقاد از وضع موجود و تقاضای میزانی از دگرگونی را ملاحظه نمود.

• در جامعه ایران به طور کلی و در استان فارس به طور اخص، این قشر مهم اجتماعی دارای آمار مشخصی نیستند و اطلاعات در مورد بخشی از آنها در سرشماری های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ موجود است، اما در سرشماری ۱۳۷۵ آمار آنها در مقوله های دیگر مستتر شده است و قابل تشخیص و تفکیک نمی باشد. اگر روحانیون، مولفان، روزنامه نگاران و دیگر نویسندهای را مربوط به قشر روشنفکران اعم از مذهبی و غیر مذهبی تلقی نماییم. تنها در سرشماریهای مذکور به طور مشخص از آنها یاد شده است. همچنین در سرشماری ۱۳۶۵ بر خلاف سرشماری ۱۳۵۵ روحانیان و دیگر کارکنان دینی را در یکدیگر ادغام کرده اند

### جدول ۳: جمعیت بخشی از روشنفکران در استان فارس

۱۳۶۵			۱۳۵۵			روشنفکران
نقاط روستائی	نقاط شهری	کل استان	نقاط روستائی	نقاط شهری	کل استان	
۲۸۰	۹۲۲	۱۲۰۳	۱۸۹	۴۷۴	۶۶۳	پیشوایان دینی
			۲۰	۴۳	۶۳	دیگر کارکنان دینی
۲۸۰	۹۲۲	۱۲۰۳	۲۰۹	۵۱۷	۷۲۶	جمع کل
			۲	۴	۶	مؤلفان و منتقدان
۷	۱۲۰	۱۲۷	۰	۳۰	۳۰	روزنامه نگاران
۷	۱۲۰	۱۲۷	۲	۳۴	۳۶	جمع کل

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۵۶ و ۱۳۶۶

- همان طور که ملاحظه می گردد در سرشماری ۱۳۵۵ تعداد اعضای گروه روحانیان به تفکیک روحانی و کارکنان ارائه شده است، اما در سرشماری ۱۳۶۵ این دو در یکدیگر ادغام شده و ارائه گردیده است و در سرشماری ۱۳۷۵ جمعیت آنها مشخص نیست. همین وضعیت برای مولفان و روزنامه نگاران و دیگر نویسندهای نیز صادق می باشد.

## ۲-۳-۴ حرفه ای

- حرفه ای ها دومین قشر طبقه متوسط می باشند. این افراد که دارای تحصیلات دانشگاهی لیسانس به بالا هستند، کلیه ای دکترها، فوق لیسانس ها، مهندسان، و کلا و بسیاری دیگر از افراد را در بر می گیرند. جامعه به تخصص این قشر نیاز مبرم دارد و هر چه جامعه به لحاظ سطح تکنولوژی و ساختار اقتصادی- اجتماعی پیچیده تر می گردد، اهمیت آنها نیز بیشتر می شود.

• کار کرد آنها عمدتاً از طریق کانال های رسمی و در چارچوب پیکره‌ی قانون گذاری به جهت اصلاح جامعه می باشد. این قشر در جامعه از وجهه و سطح درآمد بالایی نیز برخوردار است (لهسایی زاده، ۱۳۸۰)

• از آن جا که این قشر، طیف وسیعی از مشاغل را در بر می گیرد، لذا آمار آن به درستی روشن نیست و معمولاً در سرشماری های مرکز آمار ایران تحت عناوین کلی همچون بالاخره متخصصان از آنها یاد می شود. می توان این قشر را با قشر بعدی یعنی مدیران در یکدیگر ادغام نمود. زیرا در جامعه‌ی امروزی ایران به تخصص مدیران، در ساختارهای پیچیده صنعتی و دیوانسالاری احتیاج مبرم می باشد و این گروه نیز عمدتاً دارای تحصیلات دانشگاهی لیسانس به بالا می باشند.

## ۴-۳- مدیران

• مدیران استان را می توان به **چهار** گروه عمده تقسیم نمود. مدیران بخش اقتصادی، مدیران بخش سیاسی، مدیران بخش های فرهنگی - اجتماعی و مدیران بخش نظامی یا افسران ارتش. البته به این جمع باید مدیران صنعتی را نیز افزود. زیرا مدیریت فنی در صنایع را عمدتاً مهندسان به عهده دارند، اما مدیران اداری و سایر واحدها را مدیران غیر فنی عهده دار می باشند.

۱- مدیران بخش اقتصادی،

۲- مدیران بخش سیاسی،

۳- مدیران بخش های فرهنگی - اجتماعی

۴- مدیران بخش نظامی یا افسران ارتش

• به طور کی مدیران استان از نظر وجهه‌ی اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند و اقتدار رسمی آنها نیز به لحاظ قانونی پذیرفته شده است. همچنین به لحاظ دستمزد آنها از دستمزدهای بالایی برخوردارند، بنابراین بر اساس این ادغام برای آن که **آماری نسبتاً نزدیک به واقعیت** به دست آید، یم توان مقوله‌های قانون گذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران در کنار متخصصان و همچنین تکنسین‌ها و دستیاران تحت عنوان سرپرستان و مدیران قرار داد.

جدول ۴: جمعیت سرپرستان و مدیران در استان فارس بین سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ (به درصد)

۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵	سرپرستان و مدیران
۱۳۱۵	۱۰/۵۳	۶/۳	۳/۰	استان
۲۱۱۰	۱۶/۱	۱۱/۵	۶/۱	نقاط شهری
۶۱۰	۴/۵	۲/۴	۱/۱	نقاط روستایی

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۴۶، ۱۳۵۶، ۱۳۶۶ و ۱۳۷۶

• با توجه به درصد های بیان شده در جدول شماره ۴، در سال ۱۳۴۵ تنها ۳ درصد از شاغلین فارس را سرپرستان و مدیران استان تشکیل داده اند. اما انچه ما شاهد آن هستیم این است که در طی سه دهه درصد این قشر در میان شاغلان استان رو به افزایش بوده است. همچنین توزیع سرپرستان و مدیران بین نقاط شهری و روستایی نامتوازن بوده است به گونه ای که در طول دهه های گذشته بیشترین درصد افراد در این قشر در شهرها به سر برده اند. این امر بیانگر آن است که بیشترین سرمایه گذاری ها و توجهات در طول دهه های گذشته معطوف به شهرها بوده است.

## ۴-۳-۴- کارمندان

• **چهارمین قشر طبقه متوسط را کارمندان تشکیل می دهند.** همان طور که گفته شد، با گسترش نظام سرمایه داری، توسعه صنعتی و نوسازی جامعه، نظام دیوانسالاری به عنوان یکی از ابزارهای نظارت اجتماعی و توسعه کشور گسترش یافت. از آنجا که این قشر طیف وسیعی از گروه‌ها را چه دربخش دولتی و چه در بخش خصوصی به خود اختصاص داده است، به لحاظ کمی در میان سایر اقسام این طبقه مم ترین قشر می باشد و حوزه فعالیت آنها خدماتی است و بخش‌های صنعتی تجاری، مالی به کار آنها وابستگی زیادی دارند. همچنین حوزه‌های فعالیت آنها در آموزش و پرورش، ارتش، ادارات دولتی نیز می باشد و وابستگی حوزه‌های فوق به کارمندان بسیار بالا است.

• به لحاظ موقعیت اجتماعی، کارمندان دارای وجهه اجتماعی متوسط و به لحاظ درآمدی در مجموع وضع مناسبی ندارند. همچنین این قشر تقریبا هیچ گونه مالکیتی بر وسائل تولید ندارد. همین وضعیت سبب شده است که آنها خواهان تغییرات در جهت بهبود اوضاع اقتصادی دنبال می کنند. در سرشماری هایی که توسط سازمان آمار ایران انجام شده است. آنها را در **دو** گروه عمده کارمندان امور اداری و دفتری و کارکنان خدماتی و فروشندگان فروشگاه ها و بازارها قرار داده اند.

جدول ۵: توزیع نسبی قشر کارمندان در استان فارس طی ۱۳۴۵-۷۵ (به درصد)

کارمندان	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵
استان	۱۱/۳	۱۲/۸	۱۴/۷	۱۷/۴
نقاط شهری	۱۷/۸	۲۱/۱	۲۷/۰	۳۱/۰۹
نقاط روستایی	۴/۸	۶/۰	۵/۶	۸/۸

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۴۶، ۱۳۵۶، ۱۳۶۶ و ۱۳۷۶

• جدول شماره ۵ بیانگر آن است که بین سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ از درصد قشر کارمندان در کل شاغلان استان کاسته شده است. این درصدها به طور کلی است و تمامی کارمندان دوایر دولتی و خصوصی را در بر می گیرد. همچنین آمارها نشان دهنده‌ی توزیع نابرابر درصد های این قشر در بین نقاط شهری و روستایی می باشد. چنین به نظر می رسد که از حجم قشر کارمند طبقه متوسط در طول این سالیان کاسته شده و همان طور که پیشتر گفته شد، از ان جا که این قشر بیشترین تعداد افراد طبقه‌ی متوسط را در بر می گیرد، می توان نتیجه گرفت که **از اعضای طبقه متوسط در کشور و استان در دهه های گذشته کاسته شده است.**

## ۴-۴ طبقه تولید کنندگان مستقل

- ورود شیوه تولید سرمایه داری در ایران به معنای انحلال کامل تمام نظام های تولیدی پیشین نبوده است، بله به خصوص در عرصه هایی که نیاز به نیروی کار فراوان داشته و یا ارزش تولیدی آن نسبت به سایر عرصه ها کمتر یا امکان مکانیزه شدن آن صنعت به حفظ و نگهداری شیوه های تولیدی دیگر پرداخته است. اما انچه مسلم است، نظام سرمایه داری شیوه های تولیدی دیگر را در رابطه مبادلات سرمایه داری تحت قوانین خود در آورده است.

رابطه مبادلات سرمایه  
داری

• با ورود نظام سرمایه داری و شیوه تولیدی آن به ایران، به تدریج از تعداد اعضای طبقه تولید کنندگان مستقل کاسته شده و مخصوصاً لاتی که قبلاً توسط این طبقه تولید شده توسط سرمایه داری و شیوه‌ی تولیدی آن در حجم انبوه یا در داخل و یا در خارج از کشور ساخته شده است. اگر به امارهای کلی ایران بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ نگاه کنیم، می‌بینیم که از لحاظ نسبی، به شدت از کارکنان مستقل که نماینده‌ی این طبقه هستند، کاسته شده است،

• کارکنان مستقل یعنی کسانی که با سرمایه‌ی خود در بخش خصوصی کار می‌کنند و کسی را به عنوان مزد و حقوق بگیران در استخدام خود ندارند، از لحاظ نسبی به شدت سهم خود را در کل شاغلان در بین سال‌های مذکور از دست داده‌اند و از ۴۳/۲ درصد در سال‌های ۱۳۳۵ به ۳۲ درصد در سال ۱۳۵۵ تقلیل یافته‌اند. همچنین از سوی دیگر در این مدت مشاغل جدیدی در گروه کارکنان مستقل به وجود آمده که به کاهش یا افزایش تعداد شاغلان در رشته‌های مختلف انجامیده است. برای مثال در طول دوره‌ی فوق از تعداد روستاییان این گروه کاسته و بر تعداد مشاغل خدماتی جدید (انواع تعمیراتی‌ها) افزوده شده است (رزاقی، صص ۱۰۹-۱۱۱)

• تولید کنندگان مستقل متعلق به **خرده بورژوازی سنتی** هستند. این طبقه از پنج قشر اصلی تشکیل شده است که شامل **اهل حرف، خدمات چیان، مغازه داران، دهقانان و دامداران مستقل کوچ نشین** می شود. تولید کنندگان مستقل، طبقه انتقالی هستند و وجهه اجتماعی متوسطی دارند. این طبقه همچنین به لحاظ مکان فعالیت در شهرها، روستاهای و در میان کوچ نشینان حضور دارند (لهسایی زاده، ۱۳۸۱)

- در آمارهای رسمی که توسط مرکز امار ایران ارائه شده است، تنها مقوله‌ی کارکنان مستقل وجود دارد، متاسفانه آمارهای فوق در سرشماری‌های مختلف به نحوی است که در برخی از سرشماری‌ها، تفکیک تمامی این اقسام از یکدیگر امکان‌پذیر نیست. جدول شماره ۶، روند این طبقه را در بین سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ برای کل استان فارس، مناطق شهری و روستایی به تفکیک ارائه می‌دهد.

**جدول ۶: جمعیت کارکنان مستقل در استان فارس طی ۱۳۴۵-۷۵ (به درصد)**

کارکنان مستقل	۱۳۷۵	۱۳۶۵	۱۳۵۵	۱۳۴۵
استان	۳۷/۷	۴۸/۷	۳۵/۸	۴۱/۷
نقاط شهری	۲۹/۹	۲۹/۴	۲۴/۱	۲۸/۳
نقاط روستایی	۴۷/۲	۵۳/۹	۴۴/۲	۵۰/۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶ تا ۱۳۴۶

- با توجه به درصد های جدول ۶، سهم کارکنان مستقل در کل استان از کل شاغلان، روند نزولی داشته است. اگرچه بین سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به دلایل مختلف از جمله انقلاب، تحریم ایران، جنگ و غیره بر تعداد آنها افزده شده اما بین سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ از درصد شاغلان آنها نسبت به کل شاغلان کاسته شده است. این روند در شهرها تغییر محسوسی نداشته است، اما در روستاهای نیز از درصد کارکنان مستقل نسبت به کل شاغلان **کاسته** شده است.

درصد کارکنان مستقل نسبت  
به کل شاغلان

• روند کاهش کارکان مستقل بین سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ می تواند به دلیل نحوه‌ی روپردازی باشد. مساله صنعت و حمایت دولت از صنایع وابسته و مختلط (یعنی با سرمایه خارجی و داخلی) باشد. همان طور که قبلاً نیز ذکر شد، **به دلیل حمایت دولت از صنایع وابسته و مختلط بر تعداد و قدرت سرمایه گذاران صنعتی افزوده شد** و با توجه به آن که آنها از تکنولوژی روزآمد و مدرن برخوردار بودند، کارایی کارشان بالاتر رفت. پیامد عدم توجه صحیح دولت به تولید کنندگان مستقل در شهرها همانا کاهش تعداد آنها بین سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ بود (احمد اشرف، ص ۲۸۱)

• در روستاهای دلیل وضعیت مذکور از درصد کارکنان مستقل کاسته شد. اما بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به دلیل برچیده شدن شرکت‌های کشت و صنعت و سهامی زراعی بر درصد این طبقه در روستاهای افزوده گردید. بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ به دلیل دنبال کردن خط مشی نوسازی، به نظر می‌رسد که باز دیگر از درصد این طبقه کاسته شده است و این روند نیز ادامه پیدا خواهد کرد. ضمناً تاثیر مهاجرت روستاییان به شهرها در قبیل و بعد از انقلاب و به خصوص بعد از جنگ را نباید از یاد برد.

### برچیده شدن شرکت‌های کشت و صنعت و سهامی زراعی

## ۴-۵ طبقه وابستگان

- اعضای طبقه وابستگان دارای شغلی نیستند و درامد آنها به وسیله‌ی افراد با موسسه‌هایی تامین می‌شود. قشرهای این طبقه زیاد هستند، اما در مجموع از سه قشر مجازی لومپن‌ها، برده‌گان خانگی و وابستگان خانوادگی می‌توان نام برد. **لومپن‌ها کسانی هستند که معمولاً بیکار هستند و از طریق تکدی، دزدی یا باجگیری امداد معاش می‌کنند.** از تعداد این قشر بعد از انقلاب کاسته شده است. برده‌گان خانگی کسانی هستند که در خانه افراد، انجام کارهای خانگی را به عهده دارند و در مقابل خدمات انجام داده غذا، پوشاك و مسكن دریافت می‌کنند.

• وابستگان خانگی نیز بنا بر تعریف، آن دسته از نزدیکان درجه یک و یا درجه دو هستند که نزد افراد زندگی می کنند و تامین زندگی آنها به عهده رئیس خانواری است که آنها را نگه می دارد متسفانه آماری از این طبقه در جایی ارائه نشده است. بنابراین امکان ارائه تعداد این آمار برای استان فارس وجود ندارد.

## ۴-۶ طبقه مالکان اراضی کشاورزی

• این طبقه به دلیل همزیستی بین نظام های بهره برداری پیش سرمایه داری با نظام سرمایه داری، اشکال گوناگونی به خود گرفته است. در اصلف مالک ارضیف شخصی است که زمین های زراعی زیادی داشته و این زمین ها را به صورت سهم بری و یا به صورت اجاره ای، به رعیت های خود واگذار می کند. عمدتاً این مالکان در شهروها به زندگی خود ادامه می دهند و در زمان آمارگیری نیز مشخص نمی شوند. **سه قشر در این طبقه تشخیص داده شده است که عبارتند از : خرده مالکان، مالکان متوسط و عمدۀ مالکان.** در استان فارس از این طبقه به دلیل عدم حضور صاحبان زمین ها در محل مورد سرشماری اطلاعات چندانی نداریم و لذا نمی توان آماری از آنها ارائه داد و وضعیت آنها را بررسی نمود.

## ۴-۷- طبقه کشاورزان سهم بر و یا مستاجر

- از جمله طبقات روستایی که مطرح می شود، اعضای طبقه ای است که مالکیتی بر زمین های زراعی ندارند. اما در مقابل استفاده از زمین، سهم جنسی یا نقدی یا اجاره بها به مالک می دهند. کشاورزان سهم بر، در ساختار زراعی استان فارس در یک طیف از لحاظ میزان سهم زراعی قرار دارند. این مقدار بین یک پنجم تا چهار پنجم کل محصول متغیر است و بستگی به عوامل عرضه شده از طرف سهم بر و میزان نفوذ مالک دارد.

• به علت سکونت صاحبان اراضی کشاورزی در شهرها و نهاد وقف، کشاورزان مستاجر تعداد قابل ملاحظه ای دارند. متسفانه اطلاعات و آمار این طبقه نیز چندان در دسترس نیست و در صورت وجود اطلاعات از این طبقه معلوم می گردید که چه مقدار از زمین های کشاورزی، استان هنوز با شیوه های کهن و سنتی (همچون مزارعه) کشت می گردد (لهسایی زاده، ۱۳۸۱)



## ۴-۸ پایگاه های طبقاتی چندگانه

- یکی از پدیده هایی که در استان فارس با ان روبرو هستیم، افرادی هستند که از لحاظ طبقاتی به بیش از یک طبقه اجتماعی تعلق دارند. به این وضعیت پایگاه های طبقاتی چندگانه می گویند. این وضعیت که مربوط به یک الی دو دهه گذشته می باشد، به سبب پیچیده تر شدن روابط اجتماعی در استان می باشد. برای مثال در استان فارس با سرمایه دارانی رو به رو هستیم که مالکان اراضی هم می باشند، همچنین بسیاری از مدیران نیز دیده می شوند که خود توانسته اند با تلاش و کوشش و یا از طریق دیگر، به جمع سرمایه داران پیوندند. همین امر مساله **تعیین جایگاه طبقاتی افراد و آمار گیریهای اجزاء ناهمگن** را با مشکل روبرو کرده است.

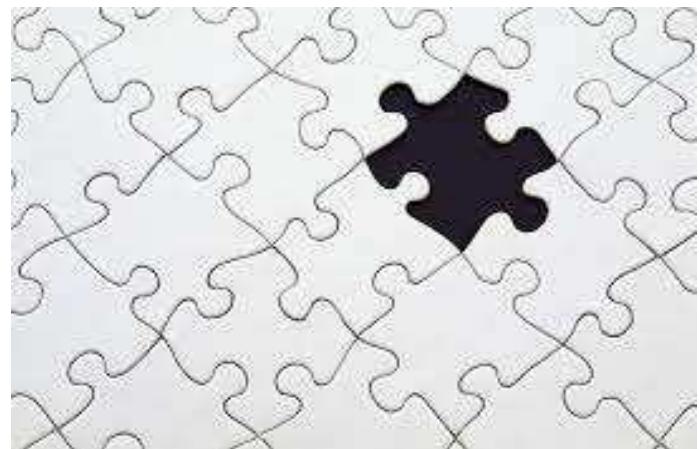
## ۵- نتیجه گیری

- مطالعه‌ی حاضر ساختار قشر بندی اجتماعی معاصر استان فارس را به طور کلی و مناطق شهری و روستایی ان را اختصاصاً مورد مطالعه قرار داد. بر اساس آمارهای ارائه شده درصد هر یک از طبقات به کل جامعه در زمان‌های مختلف متفاوت بوده است.
- برخی از آنها همچون کارفرمایان رو به گسترش هستند، اما طبقات مستقل، کارگری و متوسط رو به کاشه گذاشته اند. عوامل داخلی و بیرونی از نظام اجتماعی، در این تغییرات موثرند و روند کلی جهان که به سوی جهانی شدن جوامع و شکسته شدن مرزهای ملی است بر پیچیدگی نظام قشربندی در استان افزوده است.

CONCLUSION

**حضور نظام سرمایه داری و همنشینی آن با سایر نظام های تولیدی در استان**، گرچه نظام های غیر سرمایه داری را از بین نبرده، اما از طریق مکانیزم های حفظ و نگهداری از یک سو و انحلال آن از سویی دیگر، سبب کاهش سایر آنها گردیده است. بر این اساس، می توان کاهش در نظام بهره برداری مستقل را توجیه نمود یا گسترش نظام های بوروکراتیک و تغییرات در سایر طبقات را توضیح داد.

گسترش نظام های بوروکراتیک و تغییرات  
در سایر طبقات



- یکی از مشکلات تحلیل کامل و اینه سان از طبقات اجتماعی در استان فارس، فقدان اطلاعات و امار یا مخدوش بودن انها در سرشماری ها یا از این مهم تر **فقدان** یک نظام طبقه بندی و تفصیلی از تمامی مشاغل و ارتباط آن با سایر عوامل همچون تحصیلات، درآمد و ... می باشد. خود این مساله امکان شناخت جامعه طبقاتی و قشربندی شده ی استان را آن چنان که بایسته است محدود می سازد.

• برخی از گروه‌ها همچون روحانیت مولفان و منتقدین که در سرشماری‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ وجود داشتند، در سرشماری ۱۳۷۵ موجود نمی‌باشند و به طور کلی سرشماری ۱۳۷۵ بر اساس **ادغام** هایی که صورت گرفته، بسیاری از اطلاعات جزئی و مهم را از دسترسی اهل فن خارج نموده است که لازم است به طور مشروح و مفصل در سرشماری‌های بعدی ارائه گردد. در نهایت باید آمارگیری را با استفاده از برنامه‌های رایانه‌ای به نحوی جمع آوری کرد تا این امکان برای محقق فراهم گردد تا اطلاعات را با ویژگی‌های مختلف و به طور تقاطعی استخراج نماید و در جهت شناخت بهتر جامعه استان ارائه دهد.

## فهرست منابع

- آبراهامیان، برواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس آوری و محسن مدیر شانه چی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۹.
- اشرف، احمد، مراتب اجتماعی در دوران قاجاریه، در بی نام، مجموعه کتاب آگاه، مسائل ایران و خاورمیانه، جلد ۱، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۰.
- بشریه، حسن، جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴.
- رزاقی، ابراهیم، اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶.
- فوران، جان، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
- گورویچ، ژرژ، طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهاشم، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۸.
- لهسائی زاده، عبدالعلی، نابرابری و قشریندی اجتماعی، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۴.
- لهسائی زاده، عبدالعلی، "قشریندی اجتماعی در استان فارس،" فصلنامه فرهنگ فارس، شماره ۱۴ و ۱۳، سال چهارم، ۱۳۷۶.

لهسائی زاده، عبدالعلی، "نابرابری و قشربندی اجتماعی در ایران،" مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره شانزدهم، شماره دوم، پیاپی ۳۲، ۱۳۸۱.

قدس، علی اصغر، قشربندی اجتماعی و تحرک شغلی در جامعه شهری ایران، مورد مطالعه: فارس و بوشهر، گزارش طرح پژوهشی به شماره LA-۹۳۶-۵۵۲ - ۷۵ دانشگاه شیراز، بهار ۱۳۷۷.

مرکز آمار ایران، سرشماری های آماری کشور، گزیده آمارهای استان فارس، سال های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، تهران، مرکز آمار ایران.

مرشدی زاد، علی، روشنفکران آذری و هویت ملی و قومی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰.

- Amin, Samir, "Class and Nation, Historically and in the Current Crisis,  
London, Monthly Review Press, 1980.
- Ashraf, Ahmad., Iran: Imperialism, Class and Modernization from Above,  
New York, Tesis, 1971.
- Beynon, Huw and Glavanis, Pandeli, Patterns of Social Inequality, London,  
Longman, 1999.
- Bonine, Michael E., "Shops and Shopkeepers: Dynamics of an Iranian  
Provincial Bazaar," in Michael E. Bonine & Nikki Keddie (eds.),  
Continuity and Change in Modern Iran, New York, State University of  
New York Press, 1981.
- Poulantzas, Nicos. Classes in Contemporary Capitalism, London, Verso,  
1979.

- Quijano, Anibal, "The Return of the Future and Question about Knowledge," *Current Sociology*, Vol. 50, No.1, 2000, pp. 75-87.
- Roos, Patricia A, "Revisiting Inequality," *Contemporary Sociology, Journal of Reviews*, Vol. 28, No. 1, 1999, pp. 26-29.
- Royce, William R., "The Shirazi Provincial Elite: Status Maintenance and Change," in Michael E. Bonine & Nikki Keddie (eds.), *Continuity and Change in Modern Iran*, New York, State University of New York Press, 1981.
- Tilly, Charles, "Relational Studies of Inequality," *Contemporary Sociology*, Vol. 29, No. 6, 2000, pp. 782-785.